مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندۀ مضمون میباشد، عقیدۀ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

نصیر احمد مومند ۲۰۲۳/۰۴/۱۷

پیرامون مناقشه سیستم غیر متمرکز و فدرالی

(قسمت سوم وآخر)

دردو مبحث گذشته از مفاد ومضار سیستم فدرال صحبت مفصل صورت گرفته در قسمت سوم وآخر بحث اینک ازدو مدل فدرالی ناموفق دیگری هم که کشور های کانادا ونایجریا میباشند جا دارد تا ازآن نیزدر ینجا بشکل خلاصه ترمعلومات حاصل شود:

در کانادا برگزیدن روش فدرالیزم از روز نخست برای برقراری سازش میان دوگروه قومی با زبانهای متفاوت که بر بنیاد پالیسی منحوس تفرقه بیانداز و حکومت کن انگلیسها درین مستعمره دو بار باهم جنگیده بودند تلاش میشد ولی فدرالیزم نتوانست همزیستی لازم را میان آنها برقرارسازد. زیاده خواهی غیرمصفانه یک گروه کوچک و برتریجویی قومی دیگر در زمره دلایل بیشماری اند که این عدم موفقیت را باعث شده است .

در نایجریا که مردم آن مانند افغانستان به شکل قومی وقبیلوی زندگی می نمایند، این نظام عملاً شکست خورده ودرجریان ده سال یعنی بعد ازاستقلال آن کشور درسال ۱۹۶۰.م باعث قتل بیش از دو ملیون انسان در اثر برخورد های قومی شد . وابستگی های قومی ومحلی درین کشور چنان است که هریک حکومت های محلی فقط به منافع قومی خود می اندیشد وحس مشترک ملی در آنها وجود ندارد.

باجمع بندی آنچه درفوق تذکاریافتته حاصل ونتایج آنراچنین درمی یابم که:

مدل فدرالی آلمان را که میتوان درپهلوی مدل امریکا وسویس از مدل های نسبتاموفق فدرالی جهان به حساب أورد که قبلا کنفدراسیونی بود وبه مروربه یک فدراسیون تبدیل شد ونه ازقبل یک کشوری بامرز های مشخص بین المللی که برای حل منازعات شان جبرا ازمرکزفرارنموده وبه یک سیستم فدرالی واقعا بخاطر آرامی وآبادی مردم وکشور روآورده باشند. افغانستان امروزی را نمیتوان نه ازنظر اقتصادی ، نه از نظر فرهنگی ونه هم از نظر ترکیب قومی و زبانی با آلمان آنزمان و یا آلمان امروزمقایسه نمود .پیدا نمودن یک وجه مشترکی بین افغانستان وآلمان سال ۱۸۷۱م یعنی سالی که اولین پیمان نظام فدرالی این کشور به رهبری بیسمارک (bismark) گذاشته شد، نیز مشکل به نظرمیرسد. پس نمیتوان این مدل را به افغانستان کارآمد دانست ویا سرمشق ونمونه قرارداد. صرف نظر از اینکه سیستم فدرالی هنوزهم درآلمان به شکل جدال آمیزقرارگرفته ومخالفین آن میگویند که اگردرزمان بیسمارک سیستم فدرالی برای اتحادملی ووحدت شهرهای خورد وبزرگ به عنوان یک ضرورت پنداشته می شد ، دیگر شرایط تغییر کرده واین ضرورت وجود ندارد ومنتفی دانسته میشود.

واما درباره سیستم فدرالی هند که میشود آنرا ازنظر ترکیب زبانی، قومی ومذهبی تا حدودی با افغانستان مقایسه نمود .هرچند که این ترکیب درهند به مراتب پیچیده تر است . از نظرسطح اقتصادی وتعلیم وتربیه نیزهند به مراتب ازافغانستان پیشرفته تراست. فرهنگ هند فرهنگ صلح ، مداراوعدم خشونت است در حالیکه درطول تاریخ افغانستان بنا بموقعیت مهم استراتیژیکی اش برای شرق وغرب طرف توجه بوده و همواره موردتجاوز وحملات قدرتهای بزرگ استعماری وهمسایه های محیل وازمندومخرب دردفاع عادلانه ومشروع قرارداشته که تداوم این مساله « با بذ ر تخم نفاق وبی ثبات سازی پالیسی های منحوس وظالمانه انگلیس ها وروس وبخصوص طی بیش از پانزده سال اخیرا تجمع وتجاوزدرندگان و چرندگان وگرگس های لاش خورزمامداران دوکشورهمسایه ایران وپاکستان بالای نعش افغانستان مستقیما ودروجود مزدوران استخدام شده شان .خصوصیات وفرهنگ سچه افغانی را به طرف فرهنگ جنگ وخشونت زوروانتقام کشانیده است» بناءً هند با وجود امکانات خوب و رهبران شایسته ونامدارهمچون مهاتما گاندی ، جواهرلعل پندت نهرو وغیره ، بازهم می بینیم که هنوزهم تقریبا بعد ازهفتاد سال برقراری نظام فدرالی قادربه حل منازعات قومی ، لسانی ،مذهبی و...در ین کشور نشده است و تاهنوزهم صد ها نفردراثربرخورد های مسلحانه که اکثرا انگیزه مذهبی وقومی دارندجان خودرا ازدست میدهند .

چنانیکه یکی از صاحب نظران کشورهندمینویسد:« بجای آنکه فدرالیزم بایست یکی ازابزارهای موثروکارامدبرای مدیریت منازعات قومی، مذهبی و دیگرمنازعات و روابط اجتماعی باشد.« برعکس آن فدرالیزم منازعات را پراگنده نموده وبه ایالات وشهرها منتقل میکند.مشکلات جدید رابین اقوام بوجود می آورد ، باعث پروراندن عدم همکاری بین گروه های کوچک بنام قومی میشود ، تا اقتدارحکومت های محلی را بدست گیرند و بالاخره تمام انرژی نیروهای

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

محلی صرف رقابت ها ومشاجرات برای تصاحب قدرت میشود تا برای بهبود سیستم تعلیمی، اجتماعی واقتصادیی مردم ».
از نقطه نظرعدم کارآیی وعدم موثریت فدرالیزم هم می بینیم که درنظامهای فدرالی گرفتن تصامیم سیاسی مشکل ودشوار بوده واین کار باعث کندی امورمیشود . دولت مرکزی ، دولتهای عضو،پارلمان، مجلس فدرال وادارات تصمیم گیرنده باید ملاحظه یگدیگررا کرده و به شکل مرتب باهم روی قضایا به بحث ومذاکرات طولانی بپردازند . اکثرتصامیمی هم که در آخر گرفته میشوند، بیشتر مصالحه روی یک مخرج مشترک خیلی کوچک وتقریبا بی محتوا میباشد تا اینکه تصامیم مربوط به موضوع بالاثردر سیستم فدرالی حکومت کردن موثر وجدی جای ندارد.
فدرالیزم سد بزرگی در راه رفورمیزه کردن جامعه میباشد . دولتهای عضودر ایالتها نه تنها براساس منافع ایالتی ، بلکه هم بر اساس منافع حزبی شان تصمیم میگیرند .آنها در حقیقت تقریبا همیشه درحال مبارزات انتخاباتی میباشند وموانعی میشوند در راه اتخاذ تصامیم سیاسی . (نمونه نزدیک وزنده اپوزیسیون متلون ورنگه وبه اصطلاح هشت رخ نه گرد اداره دست نشانده وچپاولگر آقای کرزی که یک مرحله وشرایط وامکانات بی نظیروبی سابقه در تاریخ افغنستان وجهان رابا حمایت وهمکاری با دزدان وجنایتکاران معامله گربرباد نمود).
دولتمداری درهمچونظامی غیرقابل رویت میباشد.ازنظرتشکیلاتی یک دولت مرکزی، چندین دولت محلی ، وچندین ارگان تشریفاتی وغیرتشریفاتی روی قضایا تصمیم میگیرند وبه این ترتیب برای مردم ناممکن میگردد تا درقضایا ی سیاسی سهم بگیرند واین خود باعث آن میگردد تا مردم از قضایای سیاسی بدوربمانند ، ودلزده وخشمگین ازدولت وسیاست شوند.واحساس بیگانگی نمایند.از نظر مالی هم مصارف سیستم فدرالی خیلی هنگفت میباشد .یک دولت مرکزی ، چندین دولت محلی ، پارلمان ومجلس فدرال همه نیازبه پول دارند .که از نظر شکلیات خواسته های فرعونی گروه مافیایی بر سر اقتدارگذشته برای عیش ونوش وتداوم قدرت شان از خون مردم زیر سلطه شان چیزی دیگری به ارمغان ندارد.
از دیدگاه عاقلانه وعالمانه شرایط لازم الاجرا برای پیاده کردن نظام فدرالی درکشور واحد ولایتجزای افغانها وجودندارد . تا زمانیکه شرایط آماده نشود هرگونه تلاش بیهوده باعث تداوم ضرر،وناأرامی وناآمنی وبی ثباتی بیشترشده ومنحیث مانع و سد پیشرفت ،آرامی وآبادی واقع میشود .بالخصوص در جامعه ایکه بیش ازچهاردهه است که جنک وخونریزی ، قتل وغارت و ویرانی و تباهی مادی ومعنوی دراستمرارقرارداشته وتا هنوزهم به شکل رقتبارزندگی میکنند و دست ها و چشمهای ناپاک آز وحرص بیگانگان درازودوخته باشد بجای منافع ملی کشور درپی منافع گروه و قشلاق با شدبه شکست حتمی روبرومیباشد وبیگانگان سود میبرند .
مردم سالاری در پرتو انصاف وعدالت میتواند که به شکل خیلی خوب وآنهم بدون فدرالیزم وجود داشته باشد .افغانها نمونه ومثالهای خوب و زشت دولتمداری و نظام سازی سیاسی را طی تاریخ پراز فراز ونسیب خویش تجربه کرده اند هرگاه باآموزش و عبرت از آنهانسل ما درراستای همین آرمان تلاش ومبارزه کنند و پیش زمینه ها ی یک نظام و سیستم کارآ وپاسخگورادرمطابقت باوثیقه ملی وموجودیت یک مشی جامع ملی به اقتضا ی اعتقاد مردم خویش مبتنی بر شرایط زمان آماده گنند ، وظیفه ومسوولیت خودرا انجام داده اندآنگاه است که ما به آقا و بادار صدرنشنین واعظ چپاولگر جایی نخواهیم گذاشت ، بلکه برای مواظبت و پاسداری نظام وسیستم برطبق مشی وستراتیژی ملی به افراد شایسته مسلکی وفادارصادق وتیزهوش و ایثار گرباسابقه روشن ونیک نیازخواهیم داشت.واین نسل های بعدتر خواهند بود که رژیم مورد نیاز خودرا انتخاب میکنند. شایدهم با پیشرفت وتکامل ،جهان بسویی برودکه نه سیستم کنفدرالی ونه سیستم مرکزی و نه هم سیستم فدرالی دیگر کارساز باشند .شاید هم با پیشرفت وتکامل جهان سیستم و طرز نظام دولتی جدیدی بوجود بیاید ، که ما امروز آنرا پیش بینی کرده نمیتوانیم .
بناءدرکشورهاییکه ثبات سیاسی وجود نداشته باشد فقر سوادووضع اقتصاد ی نا بسامان وخراب داشته باشد ، انگیزه اقتصادی میتواند باعث تقویت نیروهای شورشی که درکشورما القاب تفنگ سالار یا جنگ سالاربه آنها اطلاق میشود ، گردد .نظام فدرالی درهمچو جوامع به عنوان یک ابزارموثرکشنده وزمینه سازدر خدمت این نیروها قرارمیگیرد که درمکزیک ،شورشیان چپیا به رهبری مارکوس و در کشور هایی مثل کانادا ، بلژیک ونایجریا با این پیشرفت وتمدن، تقسیم بندی ها این روش به ناکامی منجر شده است ، پس در کشوری عقب افتاده ای مثل افغانستان که نمایندگان کاذب وتصنعی استخدام شده اجانب ازنام ا قوام ساکن کشور خودرا آقای دیگران وهرکدام کشور را مایملک خود میدانند و برای اشغال یک پست بیشتردولتی حاضر اندتاهست ونیست کشور را بربادهند وکشور رابیشتربه مخروبه ای تبدیل کنند ، معلوم است که نتیجه چه خواهد بود .ومی بینیم که نا همگونی بین گروههای مختلف قومی ، زبانی ویا مذهبی در داخل خاک یک کشور نباید حتما سبب گزینش راه حل فدرالی شود ویااینکه فدرالیزم پاسخی قطعی به جدل همیشگی تشدد میان افراد وجوامعی که حتی با سیستم دموکراسی اداره میشوند باشد .
ازلابلای تحقیقات محققین وازنظرتجارب عملی تاریخی به این نتیجه میرسیم که به جزازنظام وآیین زندگی سازوانسانی اسلام بصورت عموم وبرای کشورهای اسلامی بطور خاص نسخه عادلانه وآماده ویکدستی برای همزیستی اقوام مختلفی که دریک کشورزندگی میکنند وجود ندارد .ما باید با درنظرداشت اوضاع تاریخی اقتصادی ، فرهنگی واجتماعی کشورخودهمانطوریکه مردم متحد ونسبتاآرام ومصوون وهمچنان کشور مستقل ، آزادوباثبات خودرا نارام ،ویران وبی ثبات ساخته ایم ،یا راه حل معقول وعملی به این معضله ارایه دهیم .که یقینا طی بیش ازچهل سال اخیر بازور و زربی مثال تاریخ نتوانستیم ،و انصافا از ملت غیور وبا شهامت خود هم ریسمان به گردن

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

عذربخواهیم وتسلیم شویم وکناربرویم ، نه مانند رشید دوستم خود را فریب دهیم وبرای ادامه اعمال جنایتبارخویش به نفع بیگانگان بازهم وارد صحنه بازی بخش دیگری ازسناریوی درامه بن گردیم . تقلید کورکورانه ازدیگران جزشکست چیزدیگری را به همراه نخواهد داشت .تاریخ وملت افغان همانطور یکه از زیر ساتور هلاکو وچنگیزوانگریز و وروس های شوروی وامریکا – ناتو ،زنده مانده بازهم زنده است وهیچگاه فراموش نمیکند وهرگزنمی بخشد.

یکپارچگی ملی یعنی پذیرفتن اختلافات سلیقه یی درعین همبستگی ومشت بسته واینهم به معنی شناختن حقوق وتوانایی ها ی یگدیگر واحساس تعلق به یکدیگرواتحا دوهمکاری درعمل است تاکه اولترازهمه برویم هرچه زود آ تش را خاموش ودهان ودست اجانب استعمارگروسودجویان محیل نفاق افگن وخزندگان وچرندگان محلی ومنطقوی را ببندیم وکوتاه سازیم، مردم خویشرا ازشربزکشی ومرکب دوانی آزادومصوون گردانیم تا به اختیار خود نایل آییم وتوان وامکان خودرا برای خود ودرخدمت مردم خود منجسم کنیم. پس ازآ نکه خانه ودردیوار را دوباره مضبوط ومستحکم ساختیم ، عنان وقفل وکلیدها راازاراذل واوباشان جمع وبدست آوردیم ،یک درودربان ویک کلی دارامین وباعتبارمشخص کردیم پرسان ومحاسبه را احیا کردیم بجای تقسیم قدرت یک تیم کاری را برمبنای شایستگی وتفویض صلاحیت وقبول مسوولیت بوجودآوردیم ، آنگاه میشودبالای رنگ ودیکوروتزیین آن چیزیکه عملا ما برای نجات ازحالت موجود وبرای خوشبختتی وترقی خویش مفید ثابت کرده بتوانیم بین هم مناظره کنیم وسلیقه ها رابه نفع ومصلحت ،خوشی و آرامی ملی مطرح گنیم وبکار کیریم نه به قوت وسودوخاطرخواهی اجانب ودشمنان .

(پایان بخش سوم وختم این بحث)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولـئ